

سخن سردبیر

نگاهی به رابطه عقل و دین در بیانات مقام معظم رهبری

مکتب الهی و انسان ساز اسلام، به معنای دقیق کلمه، مجلا و مظهر دو اصل وزین «عقلانیت دینی» و «دیانت عقلی» است. در این آخرین و کامل‌ترین آیین آسمانی، عقلانیت و دیانت، در ارتباطی دو سویه و متعامل، هر دو در خدمت یکدیگرند و به توسعه و تعالی یکدیگر کمک می‌کنند. اما کمک و یاری دین به رشد و شکوفایی و بالندگی عقل، که طبق بیان نورانی امام هفتم **7**، اولی «حجت ظاهری» و دومی «حجت باطنی» خوانده شده^۱، در این فراز از سخن حضرت امیرالمؤمنین **7** به خوبی تبیین شده است: «فبعث فیهم رسله، و واتر الیهم انبیاءه، لیستأدوهم میثاق فطرته، و یذکروهم منسیّ نعمته، و یحتجّوا علیهم بالتبلیغ، و یشیروا لهم دفائن العقول»^۲. در این فرمایش روشنگرانه، که در باب فلسفه بعثت رسل و انبیای عظام الهی است، چهارمین قسمت ناظر به آشکار ساختن و به فعلیت رساندن عقل‌های دفن شده بشری است و به خوبی حکایت از آن دارد که در حقیقت، حجت ظاهری در خدمت حجت باطنی است^۳ و به پرورش و شکوفایی و کمال آن کمک می‌کند.

از سوی دیگر، دین هم به عقل ورزی و اندیشه‌گری در آیات تدوین و تکوین فرا می‌خواند و از پیروانش انتظار دارد عقل و خرد خویش را به کار اندازند و برای شناخت و فهم درست و عمیق مفاهیم و آموزه‌های دینی از نیروی عقل و اندیشه بهره‌برداری کنند. قرآن کریم به کرات و مراتب، هنگام برشمردن آیات الهی، درک و فهم این آیات را در گروه کاربرد عقل معرفی می‌کند و با آوردن این جمله که: (الرعد، ۴؛ النحل، ۱۲) تصریح می‌کند که درک حیث «آیاتی» حقایق جهان هستی، منوط به تعقل و تفکر است. حضرت علی **۷** اهمیت و منزلت عقل را تا آنجا می‌داند که می‌فرماید: «الادب و الدین نتیجه العقل»، «لا دین لمن لا عقل له»^۵ و «قواعد الاسلام سبعة: فاولها العقل ...»^۶.

در این شماره می‌خواهیم رابطه عقل و دین را در پرتو بیانات مقام معظم رهبری، که خود یکی از پرورش یافتگان دو اصل متین عقلانیت دینی و دیانت عقلانی است و در سیره علمی و سلوک عملی خویش، همواره نشان داده است که پیرو با اخلاص این دو اصل خدشه ناپذیر است، تبیین کنیم و بیانات حکیمانه ایشان را الهام بخش و هدایتگر حرکت علمی این دو فصلنامه قرار دهیم. در این راستا، دو نمونه از سخنان معظم‌له را که اولی ناظر به «دیانت عقلانی» و دومی ناظر به «عقلانیت دینی» است ذکر می‌کنیم.

ایشان در محرم سال ۱۴۳۰ در دیدار با مداحان و ذاکران حضرت اباعبدالله **۷** می‌فرمایند:

صدای بعضی از آقایان مداحان خوب است، ولی با خواندن آنها انسان چیزی یاد نمی‌گیرد؛ اما بعضی نه؛ وقتی شعر می‌خوانند، معرفتی را به ما می‌آموزند. گاهی کلمات مدح آمیزی از ائمه : پشت سر هم می‌آوریم که نه درست مستمع به

عمق این کلمات می‌رسد، نه با فهمیدن آن کلمات چیزی بر معرفت او اضافه می‌شود. اینها ارزش چندانی ندارد.

چنان که ملاحظه می‌شود، روی سخن معظم‌له با گروه مداحان و ذاکران و مرثیه خوانان خاندان اهل بیت ؑ ، و تأکید ایشان بر این اصل اساسی است که مداحی دینی باید بر پایه معرفت‌بخشی عقلانی استوار باشد. آن‌گاه در ادامه، در امر مداحی بر سه عنصر هنر، تعقل و پیام تأکید کرده، درباره عنصر تعقل می‌فرمایند:

عنصر دوم، عنصر تعقل است؛ چون منطق، استدلال، حرف حساب، حرف درست، و حرف خوب در لابلای این شعرها فراوان وجود دارد و می‌تواند ذهن‌ها را قانع کند... وظیفه و مسئولیت بزرگ جامعه مداح این است که مطالبش پرمغز و پرمحتوا باشد و به شیوه درست این را اداره کند... شما ببینید مداحان اهل بیت ؑ در دوران حیات معصومین، بر روی چه چیزهایی تکیه می‌کردند. شعر دعبل، شعر کمیت، شعر فرزددق بر روی چه چیزهایی تأکید داشت.

در مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، گفتارهایی نیز وجود دارد که معطوف به «عقلانیت دینی» است. یک نمونه، بیاناتی است که در سال ۱۳۸۸ در دیدار با بانوان قرآن پژوه و فعال قرآنی ایراد فرموده‌اند. ایشان در این دیدار، نکات مهمی در باب اسلامی سازی علوم انسانی - که رهاورد تلاش و تکاپوی عقلانی بشری است - مطرح نموده، بر این نکته تأکید کردند که پایه‌های علوم انسانی در دانشگاه‌ها باید بر قرآن استوار باشد. با هم گوشه‌هایی از سخنان ایشان را از نظر می‌گذرانیم:

مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاه‌های کشور به صورت ترجمه‌ای تدریس می‌شود، جهان بینی مادی و متعارض با مبانی قرآنی و دینی است، در حالی که پایه

و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جست‌وجو کرد...
 حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی از مسائل مهم و اصلی در قرآن پژوهی را
 استخراج مبانی علوم انسانی دانستند و تأکید کردند:
 اگر این کار انجام شود، پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین استفاده از
 برخی پیشرفت‌های علوم انسانی می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم
 انسانی پایه‌گذاری کنند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- یا هشام، انّ الله على الناس حجتين: حجة ظاهرة و حجة باطن. فاما الظاهرة فالرسل و الانبياء والائمة □. واما الباطنة فالعقول. (محمد بن يعقوب كليني، اصول كافي، ج ۱، ص ۴۸).
- ۲- علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۹۵۰.
- ۳- ما این موضوع را در کتاب آیین خردپروری، به تفصیل بررسی کرده‌ایم.
- ۴- سیداصغر ناظم زاده قمی، جلوه‌های حکمت، ص ۴۱۲.
- ۵- سیدحسین شیخ‌الاسلامی، گفتار امیرالمؤمنین، علی ۷، ص ۹۷۰.
- ۶- ابو محمد الحسن الحرائی، تحف العقول، ص ۱۹۶.